

Different Areas and Educational Requirements Fundamental Reform Document of Education in the Islamic Republic of Iran

Hamidreza Haji Babaei^{1*}, Seyyed Hamidreza Mirazimi², Ebrahim Masouri³

1. Professor, Department of Familiarity with Islamic Sources, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Islamic Ethics, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Ph.D of Islamic Studies (Islamic Ethics), University of Tehran, Tehran, Iran

(Received: November 24, 2021; Accepted: December 26, 2022)

Abstract

The Fundamental Reform Document of Education (FRDE) in the Islamic Republic of Iran is the first step of the Islamic system's macro-politics to realize the supreme goal of humanization and shows the depth of the foundations of education in the religion of Islam, which shows that the manifestations of ethics and education in this document are rooted in the monotheistic lifestyle and the theoretical and the actions of Prophet Muhammad (PBUH) and Ahl al-Bayt (PBUH) are well reflected in it. In order to make the teachings and educational measures of FRDE effective and to internalize the educational teachings for children and teenagers, and also to fulfill all the educational areas of FRDE and to cultivate students-teachers and educators and their heartfelt faith and practical commitment to what they teach and finally to improve their familiarity with doubts and deviant thoughts in the field of education is absolutely necessary.

Keywords: Ethics, Good Life, Lifestyle, Upbringing.

* Corresponding Author, Email: hajbabaei@ut.ac.ir

ساختها و بایسته‌های تربیتی سند تحول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

حمیدرضا حاجی بابایی^{۱*}، سیدحمیدرضا میرعظیمی^۲، ابراهیم ماسوری^۳

۱. استاد، گروه آشنایی با منابع اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه اخلاق اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دکتری مدرسی معارف اسلامی (گرایش اخلاق اسلامی)، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵)

چکیده

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران گام نخست سیاست‌گذاری کلان نظام اسلامی برای تحقق هدف متعالی انسان‌سازی و نشان‌دهنده عمق مبانی تعلیم و تربیت در دین مبین اسلام است که جلوه‌های اخلاق و تربیت در این سند ریشه در سبک زندگی توحیدی دارد و سیره نظری و عملی رسول گرامی اسلام (ص) و اهل بیت (ع) به‌خوبی در آن منعکس شده است. برای مؤثر واقع‌شدن تعالیم و اقدامات تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و درونی‌کردن آموزه‌های تربیتی نسبت به کودکان و نوجوانان، تحقق همه ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین، تزکیه دانشجومعلم‌ان و مربیان و ایمان قلبی و التزام عملی ایشان به تعالیمی که آموزش می‌دهند و سرانجام آشنایی آن‌ها با شبهات و افکار انحرافی حوزه تعلیم و تربیت، ضرورت تام دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق، تربیت، حیات طیبه، سبک زندگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تداوم، شکوه و بالندگی انقلاب اسلامی ایران منوط به تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان است؛ که این آرمان‌ها نیز در گرو تربیت انسان‌های عالم متقی و آزاده و اخلاقی است. بر این اساس، وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به عنوان نهاد متولی تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان این مرز و بوم، برای اثربخش کردن نظام تعلیم و تربیت اسلامی، بهبود عملکرد تربیتی معلمان و نیز پیراستن فرایند تعلیم و تربیت از مبانی و مؤلفه‌های سبک زندگی غیر اسلامی، نیاز به یک نقشه راه دارد. با توجه به این ضرورت و در راستای عملیاتی کردن توصیه‌ها و تأکیدهای رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (مدظله) مبنی بر نگارش و تدوین این نقشه راهبردی، شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی، نسبت به سیاست‌گذاری و تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اسناد پشتیبان فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران اقدام کرد.

این سند دارای شش ساحت است، که ساحت «تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی» دارای نقشی محوری است. این ساحت‌ها اگر چه به ظاهر در حوزه‌های علمی و مفهومی متفاوتی تدوین و آموخته می‌شوند، ولی همگی در تکامل و تکوین شخصیت اخلاقی و تربیتی دانش‌آموزان نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

ساحت‌های تعلیم و تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران دارای ۶ ساحت ذیل است: «۱. تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ۲. تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، ۳. تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، ۴. تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، ۵. تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، ۶. تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه منطبق بر نظام معیار اسلامی (بیانیه ارزش‌ها، گزاره ارزشی ۴)».

ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین، همگی از شئون و لوازم حیات طیبه هستند:

۱. ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سه موضوع اعتقادات، عبادات و احکام را یک ساحت محسوب کرده و میان آن‌ها مناسبت برقرار کرده است:

الف) تربیت اعتقادی

بدیهی است که اعتقاد به باورهای اصیل قرآنی چون توحید، نبوت، معاد، عدل الهی و ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) در فرایند تعلیم و تربیت نقش کلیدی و مهمی دارد، چرا که شهادت به وحدانیت خدای متعال و پذیرفتن ولایت حضرت باری تعالی و نبوت و ولایت انبیا و اولیای الهی، نفی ولایت طاغوت، قدم اول اخلاق و فضیلت‌گرایی است چرا اخلاق منهای باورمندی به خدا انسان را به سر منزل سعادت نمی‌رساند، و اخلاق بدون اعتقاد به عدالت الهی و وجود معاد، مانند قوانین بشری بی‌پشتوانه همواره دستخوش منافع و مطامع زور مندان قرار گرفته و در تندباد هیجانان‌نفسانی بشر رنگ می‌بازد.

امام خمینی (ره)، «توحید» را اصلی‌ترین اصل در میان معارف الهی دانسته که اکثر اخلاقیات و معنویات تحت تأثیر آن می‌باشند: «حقیقت توحید اصل اصول معارف است و اکثر فروع ایمانیه، معارف الهیه، اوصاف کامله روحیه و صفات نورانیه قلبیه از آن منشعب می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۸۹).

علامه طباطبایی نیز در خصوص طریقه اخلاقی توحیدی قرآن کریم می‌فرماید: «قرآن کریم هم عزت را منحصر در خدای سبحان کرده، و فرموده: (إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا)، و هم نیرو را منحصر در او کرده و فرموده: (أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا)، و معلوم است کسی که به این دین و به این معارف ایمان دارد، دیگر در دلش جایی برای ریا و سمعه و ترس از غیر خدا و امید به غیر خدا و تمایل و اعتماد به غیر خدا، باقی نمی‌ماند، و اگر به راستی این دو قضیه برای کسی معلوم شود، یعنی علم یقینی بدان داشته باشد، تمامی پستی‌ها و بدی‌ها از دلش شسته می‌شود و این دو قضیه دل او را به زیور صفاتی از فضائل، در مقابل آن رذائل می‌آراید» (طباطبایی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۷).

بر این اساس، سند تحول بنیادین، در اهداف کلان خود قبل از تربیت اخلاقی، به تربیت انسان‌های

معتقد به اصول اعتقادی تأکید می‌کند: «تربیت انسانی موحد و مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران... براساس نظام معیار اسلامی» (هدف کلان ۱). و برای تأثیرگذاری بیشتر معلمان و مربیان، توسعه توانمندی اعتقادی فرهنگیان را ضروری می‌شمارد: «توسعه مستمر شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، تربیتی... فرهنگیان» (راهبرد کلان ۱۳)

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برای درونی‌کردن اعتقادات حقه اسلامی در ضمیر دانش‌آموزان و مربیان، بر استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای تقویت معرفت و باور به اعتقادات و معارف توصیه و تأکید می‌کند: «استفاده از ظرفیت برنامه‌های درسی، منابع آموزشی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، کتابخانه، فرصت اردوها و فعالیت‌های برون‌مدرسه به ویژه مساجد و کانون‌های مذهبی برای تقویت معرفت و باور به معارف الهی به ویژه اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد (مهم) قرآنی، روایی و عقلانی در دانش‌آموزان» (راهکار ۲/۸).

ب) تربیت عبادی

عبادات و ارتباط با خدای متعال نقش بسیار مهمی در تهذیب نفس و تقرب الی الله انسان‌ها خصوصاً نوجوانان و جوانان دارد، و از آنجا که در نظام عبادی اسلام به‌جا آوردن دستورات الهی همگی عبادت محسوب می‌شوند و به‌جا آوردن واجباتی چون نماز، روزه، حجاب، جهاد، حج، امر به معروف و نهی از منکر، دعا، کمک به مظلومان، دانش‌اندوزی، ازدواج و تشکیل خانواده و کسب معیشت عبادت محسوب می‌شوند؛ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تبعیت از احکام دین اسلام را از ویژگی‌های پرورش‌یافتگان نظام تعلیم و تربیت اسلامی می‌داند: «پرورش تربیت‌یافتگانی که دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیار می‌شناسند... و به رعایت احکام دین و موازین اخلاقی مقید هستند» (هدف عملیاتی ۱).

خدای متعال در قرآن کریم به نماز اهتمام ویژه‌ای داشته و برای آن آثار تربیتی بسیار مهمی مانند وصول به «مقام محمود» (اسراء: ۷۸ و ۷۹)، پاک‌شدن از گناهان (هود: ۱۱۴)، بازداشتن از فحشا و منکر (عنکبوت: ۴۵)، ذکر کرده است.

بر این اساس، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به راهکارهای توسعه تربیت عبادی از طریق فرهنگ اقامه نماز و نیایش و انس با قرآن کریم در آموزش و پرورش پرداخته است: «توسعه فرهنگ اقامه نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه و تقویت انس با قرآن در دانش آموزان و توسعه فرهنگ و سواد قرآنی با اصلاح برنامه‌ها و توانمندسازی معلمان در راستای تقویت مهارت روخوانی و روان‌خوانی در دوره ابتدایی، آشنایی با مفاهیم کلیدی قرآن در دوره متوسطه اول و آموزش معارف قرآنی در متوسطه دوم براساس منشور توسعه فرهنگ قرآنی (راهکار ۱/۳)، و ساخت و تقویت امکانات نمازخانه‌های مدارس در کنار سایر فضاها علمی: «اهتمام به طراحی، ساخت و تجهیز مناسب نمازخانه، کتابخانه، آزمایشگاه، فضای سبز و فضای ورزشی در تمام مدارس به عنوان محیط تعلیم و تربیت» (راهکار ۱۴/۳) و ارتباط مدارس با مساجد: «نهادینه‌سازی و تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و علمی محله به ویژه مسجد...» (راهکار ۱/۲)، را مورد توجه قرار داده است.

از دیگر عبادات تأثیرگذار در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان برگزاری مراسم ادعیه و زیارات در مدارس یا مساجد و هیئت‌ها است چرا که دعا و مناجات یکی از بهترین وسیله‌های ارتباط معنوی با خداوند و کسب صفای باطن و تهذیب نفس است.

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَمَرَ قَلْبَهُ بِدَوَامِ الذِّكْرِ حَسُنَتْ أَعْمَالُهُ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ»: «هر کس قلب خود را پیوسته با یاد الهی آبادان کند، اعمال او در پنهان و آشکار نیکو می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹).

مضامین بعض ادعیه و زیارات مانند دعای مکارم الاخلاق، زیارات جامعه کبیره، زیارت عاشوراء زیارت امین‌الله، دعای عرفه و دعای کمیل، درس سبک زندگی اسلامی است.

بر این اساس، سند تحول بنیادین، برگزاری مجالس دعا و توسل را یکی از راه‌های تعمیق تقوای الهی و مهارت خویش‌تنداری در دانش‌آموزان می‌داند: «تعمیق تقوای الهی و مهارت خویش‌تنداری، انتخابگری درست و تعالی‌بخش مستمر دانش‌آموزان با استفاده از... تقویت انس با دعا و توسل» (هدف عملیاتی ۲، راهکار ۲).

مصادیق متعدد تکالیف عبادی در جای‌جای سند تحول بنیادین به چشم می‌خورد (اهداف عملیاتی ۳ و ۸).

ج) تربیت اخلاقی

مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت را فرایندی جامع برای تحول انسان و شامل تهذیب و تزکیه اخلاقی می‌داند: «براساس نگرش اسلامی مفهوم (تربیت)، دربردارنده تمام اقدامات و تدابیری مانند تمهید شرایط محیطی، تأدیب، تزکیه، تعلیم، مهارت آموزی، تذکر و موعظه است که باید در راستای هدفی واحد یعنی شکل‌گیری و تعالی شخصیتی یک پارچه و توحیدی به طور سنجیده و مرتبط، هماهنگ و درهم تنیده سامان یابند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

سند تحول نیز، تعمیق تقوا و مهارت خویشنداری را از راهکارهای تحقق عمق‌بخشیدن به تربیت و آداب اسلامی بیان می‌کند: «تعمیق تقوای الهی و مهارت خویشنداری، انتخابگری درست و تعالی بخش مستمر دانش‌آموزان با استفاده از فرصت ایام‌الله، برگزاری مراسم آگاهی‌بخش و نشاط‌انگیز در اعیاد و وفیات» (راهکار ۲/۲، هدف عملیاتی ۲)

تقوا از جمله فضائل اخلاقی اکتسابی است که نظام تعلیم و تربیت می‌بایست در نهادینه و درونی کردن آن در نفس و جان دانش‌آموزان نقش‌آفرین باشد: «کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله ایمان، تقوا...» (بیانیه ارزش‌ها).

تقوا از «وقایه»، و وقایه به معنی حفظ شیء است، از آن چه به او زیان برساند. (راغب اصفهانی، ۳۶۹: ۳/ ۴۷۹)

ملکه‌شدن فضیلت اخلاقی تقوادر ضمیر و نفس انسان، موجب رستگاری و سعادت او می‌شود: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۱۰۰).

بنابراین، تربیت اخلاقی دانش‌آموزان از نخستین و اولی‌ترین اهداف کلان سند تحول بنیادین است: «تربیت انسانی... عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزادمنش، متعلق به اخلاق اسلامی...» (هدف کلان ۱، فصل چهارم).

سند تحول بنیادین، بر اساس معارف نظام معیار اسلامی به ترویج فضائل اخلاقی از جمله «حیا» و «عفاف» توجه ویژه کرده است: «تدوین برنامه‌های عملیاتی لازم در راستای ترویج، تقویت مستمر

و تحکیم فضائل اخلاقی در محیط‌های تربیتی با استفاده از تمام ظرفیت‌های آموزشی و تربیتی با اولویت کرامت و عزت نفس و شجاعت، حیا و عفت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و نظم در تمام دوره‌های تحصیلی» (راهکار ۱/۲).

به گونه‌ای که در اهداف عملیاتی سند، هدف عملیاتی مجزایی به ترویج فرهنگ حیا و عفاف اختصاص یافته است: «ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، حجاب و عفاف در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» (هدف عملیاتی ۳).

بنابراین، نظام تعلیم و تربیت باید به دانش‌آموزان کمک کند تا با پیراستن خود از رذائل نفسانی زمینه‌های ایجاد صفت پایدار تقوا و خویش‌داری را در خود ایجاد کنند.

اما همانگونه که در بایسته‌های تربیتی سند ذکر می‌کنیم، لازمه تحقق تقوا در دانش‌آموزان، به‌کارستن و تمهیدساز و کار سلوکی تزکیه و تهذیب مریبان در دوران تربیت معلم و تحصیل ایشان در دانشگاه فرهنگیان است.

۲. تعلیم و تربیت زیستی و بدنی

یکی از ساحت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ساحت تعلیم و تربیت زیستی و بدنی است و هدف عملیاتی ۱ سند تحول بنیادین، به تعلیم و تربیت زیستی و بدنی اختصاص دارد: «درک مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست بوم طبیعی و شهری، به منزله امانات الهی شایستگی حفظ و ارتقای سلامت فردی و بهداشت محیطی را کسب می‌کنند» (هدف عملیاتی ۱).

این ساحت در سلامت جسمی، حفظ تعادل روانی و تعالی روحی دانش‌آموزان به آن‌ها کمک شایانی می‌کند. سند تحول بنیادین موضوع بهداشت و محیط زیست را با هم تلفیق کرده است و نام آن را شأن زیستی نهاده است؛ مبانی نظری تحول بنیادین شأن زیستی و بدنی بعد از تعریف این ساحت، به بیان مصادیق آن می‌پردازد: «ساحت تربیت زیستی و بدنی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریبان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است. قلمرو این ساحت موارد زیر را پوشش می‌دهد: تربیت

جنسی، سلامت فردی و اجتماعی (تأمین نیازهای اساسی، حفظ شادابی در زندگی، برخورداری از رفاه و سلامت، استفاده از تفریحات سالم و اوقات فراغت، مراقبت از جسم و روح و پاکیزگی و آراستگی فردی)، بهداشت زیست‌محیطی، قلمروهای زیست بوم شهری و منابع طبیعی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۹۵).

مباحث تربیتی این ساحت در ۴ حوزه قابل دسته‌بندی است که نظام تعلیم و تربیت دین مبین اسلام به عنوان سند بالادستی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آموزه‌های شایان توجهی در این خصوص برای معلمان و دانش‌آموزان ما ارائه می‌کند:

الف) سلامت و قوت جسمی

اهمیت سلامت جسم و بدن از آیات و روایات و سیره تربیتی بزرگان دین مورد توجه بوده است. خدای متعال قوت جسمی طالبوت را فضل و موهبتی از جانب خود و موجب برتری او بر دیگران می‌داند: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۴۷).

تأکید پیامبر اسلام بر آموزش سوارکاری، تیراندازی و شنا به کودکان علاوه بر جنبه آمادگی رزمی نیز در راستای سلامت جسم و نشاط روح کودکان ارزیابی می‌شود (طبرسی، ۱/۴۷۴/۱۶۲۷).
علی (ع) نیز در دعای کمیل قوت جسم و روح را برای خدمت به دین از خدای متعال مسألت می‌کند: «اللهم قو علی خدمتك جوارحی، و اشدد علی العزيمة جوارحی و هب لی الجد فی خشیتك، و الدوام فی الاتصال بخدمتك» (قمی، ۱۳۹۰، ص ۶۲).

از این دعا می‌فهمیم که برای دوام خدمت به دین اسلام همانگونه که انسان عزم و جدیت لازم دارد، به بدن سالم و قوی که خدای متعال در اختیار انسانها قرار داده، نیز نیاز دارد و وظیفه داریم با ورزش و رسیدگی به آن زمینه سلامت بدنی خود را فراهم کنیم.

استاد شهید مطهری در زمینه اهمیت سلامت جسم و بدن در اسلام می‌گوید: «جای شک و تردید نیست که تعلیمات اسلام براساس حفظ و رشد و سلامت جسم است. علت حرمت بسیاری از امور، مضر بودن آنها به حال بدن است... و یک اصل کلی برای فقها مطرح است که هرچیزی که محرز

بشود که برای جسم انسان مضر است- ولو هیچ دلیلی از قرآن و سنت نداشته باشد- قطعاً حرام است» (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱).

ب) بهداشت جسم و بدن

دین اسلام دین پاکیزگی و بهداشت است و جهان امروز در بسیاری از آموزه‌های بهداشتی و پیشرفت‌های پزشکی، مدیون تعالیم قرآن کریم است. آیات قرآن کریم به طرز بسیار زیبایی بر طهارت و پاکی لباس و بدن و خوراک انسان تأکید می‌کند و انسان‌های اهل پاکی را می‌ستاید.

قرآن کریم به پاکیزگی و بهداشت در تغذیه توجه می‌دهد: «يا ايها الناس كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طيباً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.» (بقره: ۱۶۸) و به خوردن غذاهای پاکیزه امر می‌کند: «وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طيباً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مائده: ۸۸)، و می‌فرماید که خدای متعال تطهیرکنندگان را دوست دارد: (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) (بقره: ۲۲۲) و (وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ) (توبه: ۱۰۸).

خدای متعال همواره پاکی را برتر از ناپاکی می‌داند: «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ» (مائده: ۱۰۰).

همانگونه که رسول اکرم (ص) در معنویات برای مسلمانان اسوه محسوب می‌شوند «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)، ایشان در سبک زندگی بهداشتی نیز الگو می‌باشند. حضرت رسول (ص) در خصوص اهمیت بهداشت و نظافت می‌فرمایند: «فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النِّظَافَةِ؛ خداوند (پایه‌های) اسلام را بر نظافت بنا نهاده است» (متقی هندی، ۱۳۷۴، ۹/۲۷۷).

سبک زندگی روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز درباره بهداشت فردی و اجتماعی از جمله لباس و دندان نشان‌دهنده اهمیت بهداشت در سبک زندگی اسلامی است.

روایات اهل بیت علیهم‌السلام درباره بهداشت لباس و دندان نشان‌دهنده اهمیت بهداشت در سبک زندگی اسلامی است: امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «غَسَلُ الثِّيَابِ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَالْحُزْنَ» (لباستان را بشوید، لباس چرک غم می‌آورد. یعنی لباس در روح اثر می‌گذارد» (مجلسی، ۱۳۶۳، ۸۹/۱۰).

امام رضا (ع) پاکیزگی را از اخلاق تمام انبیا می‌داند «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْطُفِ»، «پاکیزه‌بودن از اخلاق انبیاست» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ۸۳/۱).

ج) بهداشت روحی و روانی

بهداشت روانی و شناخت و پیشگیری از عوامل روان‌نژندی از مهم‌ترین مصادیق سلامت انسان است: «بهداشت روانی نگاهداشت سلامت روانی، ریشه‌کن ساختن عوامل بیماری‌زا و پیشگیری از ابتلا به بیماری روانی و ایجاد زمینه مساعد برای رشد و شکفتن شخصیت و استعدادها تا حداکثر ظرفیت ممکن آن‌هاست» (شعبانی ورکی، ۱۳۷۱، ص ۴۳).

در نگرش اسلامی، بهداشت و سلامت روانی عبارت از مطابقت و هم‌خوانی نیازهای روانی با نظامات درونی با گرایش‌های فطری و جسمی است: «تبادل نیازها و نظام‌های درونی و گرایش‌های فطری و جسمانی انسان است و علامت آن این است که آدمی در پرتو رهنمودهای عقل و هدایت آموزه‌های وحی، آنچه را موجب زینت روح و روانش می‌شود و او را به خدای تعالی نزدیک می‌کند، برمی‌گزیند (فقیهی، ۱۳۸۳، ص ۷۱). امام رضا (ع) پاکیزگی را از اخلاق تمام انبیا می‌داند «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْطُفِ». «پاکیزه‌بودن از اخلاق انبیاست» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۸۳/۱).

ایمان و عمل صالح موجب شادمانی و دوری غم‌ها و افسردگی‌ها می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (بقره: ۲۷۷) و انجام گناهان نیز موجب حزن و اندوه می‌شود: امام علی (ع) می‌فرماید: «چه بسا اندک شهوتی که اندوه و غمی طولانی به بار آورد» (کلینی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۵۱)؛ بنابراین، گناه شادمانی انسان را به مخاطره می‌اندازد. گناه، دشمن دیرینه و خطرناک قلب و روان انسان و دورکننده او از نعمت‌های مادی و معنوی است و مانع بزرگی در مسیر کمال او محسوب می‌شود.

د) احترام به طبیعت

تربیت دانش‌آموزان برای شناخت طبیعت و احترام به آن در نظام تعلیم و تربیت اسلام، تفاوت جدی و ماهوی با تربیت غربی دارد «اسلام طبیعت را به مثابه آیات الهی و نشانه‌هایی برای شناخت خالق هستی معرفی می‌کند و برای آن ملکوت قایل است (یونس: ۱۰۱؛ فصلت: ۵۳؛ سبأ: ۹؛ عنکبوت: ۴۴؛ جاثیه: ۵؛ انعام: ۷۵). بر این اساس، می‌توان صفات ذیل را برای طبیعت ذکر کرد:

۱. طبیعت، حیات بخش به زندگی بشر: نقش طبیعت و منابع زیست‌محیطی در حیات و بقای انسان قابل انکار نیست. جزء جزء عناصر طبیعت از نعمت‌های الهی است که خداوند به انسان ارزانی داشته تا بتواند با استفاده از آنها، راه کمال و سعادت جاوید را طی کند و به کمال وجودی خویش برسد: «خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما گردانید تا کشتی در آن به حرکت درآید و بتوانید از فضل خدا بهره ببرید و شاید شکر نعمت‌های او را به جا آورید» (جائیه: ۱۲؛ نحل: ۱۴).

۲. طبیعت امانت در دست انسان: انسان امانت دار خداوند است. بر این اساس، انسان نمی‌تواند در این امانت تصرفی کند که مخالف رضایت صاحب امانت باشد. در مکتب اسلام، مالک حقیقی همه موجودات خداوند است و این مالکیت را بنا به مصالحی در اختیار انسان قرار داده است. اما این در اختیار گذاشتن به طور مطلق و رها نیست، بلکه انسان امانت‌دار خداوند است و باید در رفتار خود با محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی و زیست‌محیطی اصول امانت‌داری را رعایت کرده، با آنچه به عنوان امانت به او سپرده شده است، رفتاری حکیمانه و امینانه داشته باشد: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ (حدید: ۷).

در این نظام، سفارش‌های فراوانی به آبادکردن زمین شده است و راه‌های تشویقی نیز برای تحقق این هدف در نظر گرفته شده که از جمله، می‌توان به احیای زمین‌های موات اشاره کرد» (فراهانی فرد و فراهانی فرد، ۱۳۹۲، ص ۲).

۳. تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هدف از تعلیم و تربیت را پرورش دانش‌آموزانی می‌داند که بتوانند زیبایی‌های نظام آفرینش و زیبایی‌های ملهم از این زیبایی‌ها را که در آثار هنری انسانی تبلور یافته، بشناسند و خود به قدرت تخیل لازم برای هنرآفرینی برسند: «پرورش تربیت یافتگانی که... با قدرشناسی و درک زیباشناسانه‌ی آفرینش الهی و مصنوعات هنرمندانه بشری، درک مفاهیم فرهنگی و میان‌فرهنگی و بهره‌گیری از قدرت تخیل، توانمندی‌های لازم در خلق آثار فرهنگی و هنری را به دست می‌آورند» (هدف عملیاتی ۱).

بر اساس آموزه‌های قرآن مجید و جهان‌بینی توحیدی، جهان سراسر تحت فرمانروایی و تدبیر

خداوند است. همه خوبی‌ها به او استناد دارد و اگر بدی باشد، ناشی از سوء اختیار انسان است (نساء: ۷۹). او سرچشمه همه زیبایی‌هاست و تمام زیبایی‌های هستی مستند به اوست. اوست که زیبایی‌ها را برای بندگانش بیرون آورده است. (اعراف/۳۲)، آسمان را زینت بخشیده است. (صافات: ۶)، چهره زمین را به زیورها آراسته است (کهف: ۷)، و کار هر گروه را در نزد خودشان جلوه داده است (انعام: ۱۰۸).

درک زیبایی‌ها از سوی بشر منحصر به احساس زیبایی‌های حسی نیست، بلکه انسان از دیرباز رفتار زیبا را نیز دوست داشته و اخلاق زیباشناسانه را یکی از راه‌های شناخت رفتار زیبا از نازیبا می‌شناخته‌اند. بر این بسیاری از فیلسوفان اخلاق، میان زیبایی‌شناسی و اخلاق قائل به رابطه وثیقی هستند. استاد شهید مطهری در این می‌گوید: «(بعض اخلاقیون) گفته‌اند در جهان، زیبایی منحصر به زیبایی حسی نیست، زیبایی و جمال معنوی هم خود حقیقتی است، و همین‌طور که جمال‌های حسی ناشی از تناسب است، یعنی تناسب یک عامل اساسی در پیدایش زیبایی است» (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، توجه به انواع ارزش‌ها اعم از ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های زیبایی‌شناسی و هنری و ارزش‌های مذهبی (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۹۰) در زندگی انسان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند و در واقع، جهان‌بینی و نگرش انسان‌ها به زندگی و هستی، وابسته به نظام و نگاه ارزشی آنان است (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱، صص ۲۶-۲۵). به باور صاحب‌نظران، تربیت زیبایی‌شناختی، اصطلاحی مرجح برای اطلاق به آن دسته از اعمال تربیتی است که با هدف آشناکردن متربیان با زیبایی و هنر، ایجاد حس قدرشناسی از آن و پرورش خالقیت هنری، صورت می‌گیرد (خسروانی مقدم، شیروانی شیری و اکبری، ۱۴۰۲، ص ۱۰۳).

بر این اساس، برای پرورش اخلاقی دانش‌آموزان، باید حس زیباشناختی را در آن‌ها تقویت کرد تا با شناخت رفتارهای زیبا و متعادل، در اخلاقی‌شدن خود و جامعه گام بردارند.

۴. تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی

تربیت اجتماعی و سیاسی یکی از ساحت‌های مهم تعلیم و تربیت است: «فرایند تعلیم و تربیت در

تمام ساحت‌ها شامل تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی،... منطبق بر نظام معیار اسلامی و عقل که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد» (بیانیه ارزش‌ها، گزاره ارزشی ۴). باید دانش‌آموزان در پایه‌های ۱۲ گانه تعلیم و تربیت به تناسب سن و رشد درک خود با مباحث اجتماعی و سیاسی آشنا شوند تا پس از ورود به اجتماع بتوانند با آگاهی و توانایی و تجربیاتی که در دوران مدرسه کسب کرده‌اند، در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نقش‌آفرینی کنند. و ضمن آشنایی با مفاهیم و سازوکارهای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، نسبت به فهم و بینش صحیح و بصیرت و تیزبینی در تجزیه و تحلیل مباحث اجتماعی و سیاسی توانمند شوند و از سویی در دام گروه‌ها و جریان‌های سیاسی داخلی یا خارجی که بر خلاف مصالح کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند، نیافتند: «بصیرت و تعالی در زمینه‌های گوناگون عبادی - اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی» (بیانیه ارزش‌ها، گزاره ارزشی ۸).

شیوه‌های فعالیت اجتماعی که به دانش‌آموزان آموخته می‌شود، باید مبتنی و هماهنگ با آموزه‌های اسلامی باشند: «پرورش تربیت‌یافتگانی که - با درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی و «احترام به قانون» و اندیشه‌ورزی در آن‌ها، شایستگی رویارویی مسئولانه و خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی را کسب می‌کنند و با رعایت وحدت و تفاهم ملی، در دفاع از عزت و اقتدار ملی می‌کوشند...» (هدف عملیاتی ۱).

بنا بر آنچه گفته شد، تعالیم تربیتی این ساحت در دو حوزه الف) تربیت سیاسی و ب) تربیت اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند:

الف) تربیت سیاسی

آموزش اندیشه سیاسی اسلام به دانش‌آموزان از مهم‌ترین آموزه‌های تربیت سیاسی برای نقش‌آفرینی به گونه‌ای سازنده در حیات سیاسی ملی و بین‌المللی یکی از تربیت‌های ضروری آموزش و پرورش است. دانش‌آموزان باید در این ساحت با اخلاق سیاسی اسلام شامل وفای به عهد، ظلم‌ستیزی، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و دفاع در راه خدا، دفاع از عزت و اقتدار مسلمانان، تکریم مردم و مستضعفان و وحدت قومیت‌ها و مذاهب، و لزوم رقابت سیاسی سالم آشنا شوند، تا در انجام وظایف

فردی و نیز اجتماعی خود در حوزه‌های شغلی که در عرصه سیاست و خدمت به مردم عهده‌دار می‌شوند، مطابق با آموزه‌های اسلام عمل کنند.

توانمندسازی سیاسی اجتماعی دانش‌آموزان مستلزم آشناسازی ایشان با مفاهیم و ارزش‌های انقلابی جهات حمایت و آمادگی دفاع و جان فشانی در راه اهداف عالیه انقلاب اسلامی که تبلور همه اندیشه‌های سیاسی اسلام و ولایت سرخ علوی و نهضت حسینی است.

آموزش این واقعیت که دین اسلام دین سیاسی است و به هیچ وجه سیاست را از دیانت جدا نمی‌داند، چرا که دین تنها متضمن مباحث اخلاقی برای کسب پاداش اخروی نیست، بلکه در کنار روش زندگی فردی روش حکومت‌داری و اداره زندگی اجتماعی را به انسان‌ها تعلیم می‌دهد، نیز بسیار مهم است.

در روایات متعدد با استفاده از واژه سیاست و مشتقات آن، امامان معصوم علیهم‌السلام به عنوان ساسه العباد معرفی شده‌اند: امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان الله عزوجل اذّب نبیه فاحسن ادبه فلما اكمل له الادب قال انك لعلي خلق عظیم ثم فوض الیه امرالدین و الامة لیسوس عباده. لا یرزل و لا یخطئ فی شیء مما یسوس به الخلق»: «خداوند، پیامبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت کرد. چون تربیت او را تکمیل کرد، فرمود: تو دارای خلق عظیم هستی. سپس امر دین و امت را به او واگذار کرد، تا سیاست بندگانش را بر عهده گیرد. همانا رسول خدا (ص) استوار و موفق و مؤید به روح القدس بود و در سیاست و تدبیر مردم، هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت» (کلینی، ۱۳۹۳، ص ۱).

در زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) وارد شده: «اشهد انک و الائمه من ولدک سفینه النجاه و دعائم الاوتاد و ارکان البلاد و ساسه العباد»: «شهادت می‌دهم که تو و ائمه از فرزندان تو، کشتی نجات و ستون‌های کوه‌ها و ارکان شهرها و سیاستمداران بندگان هستید» (مجلسی، ۱۳۶۳، ۱۴۳/۳۷).

و در زیارت جامعه کبیره آمده است: السلام علیکم یا اهل بیت النبوه... دعائم الاخیار و ساسه العباد. سلام بر شما، اهل بیت نبوت و استوانه‌های برگزیدگان و بندگان سیاست‌مدار.

از منظر قرآن کریم، دولت امری است که در ذات دیانت نهفته است: «بعثت انبیای برای اقامه قسط و عدل است (حدید: ۲۵). دین برای گسستن زنجیره‌های اسارت انسان و تامین آزادی بشر است (اعراف: ۱۵۷). دین برای نجات مستضعفان از چنگال «ظالمان و ستمگران» و پایان دادن به

دوره سلطه آنها است؛ بدیهی است این هدف‌های بزرگ بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست، و اگر دین از سیاست جدا شود، بازوی اجرائی خود را به کلی از دست می‌دهد و اگر سیاست از دین جدا شود، مبدل به یک عنصر مخرب در مسیر منافع خودکامگی می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۵/۴۲۰).

شهید مطهری نیز می‌فرماید: «همبستگی دین و سیاست را باید به مردم تفهیم کرد. سید جمال فکر جدایی دین از سیاست را به کلی محکوم کرد که اسلام دین سیاست است. اسلام دین اجتماع است» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۱).

در حالی که بسیاری از سیاسیون مکاتب مادی، سیاست را از دیانت جدا دانسته و به بهانه مصالح سیاسی از هیچ خدعه و پیمان‌شکنی ابا ندارند، نظام اسلامی با الگوگرفتن از تعالیم اصیل قرآنی و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) همواره نماد اخلاق‌گرایی سیاسی در دنیا است.

امام خمینی در تبیین معنای سیاست می‌فرماید: «البته سیاست به آن معنایی که اینها می‌گویند که دروغویی و چپاول مردم و با حيله و تزویر، تسلط بر اموال و نفوس مردم، این سیاست هیچ ربطی به سیاست اسلامی ندارد، این سیاست شیطانی است» (موسوی خمینی، ۱۳۴۹، ص ۲۶).

از دیگر مسائل سیاسی مهمی که باید دانش‌آموزان با آن آشنا شوند مفهوم ولایت فقیه در زمان غیبت حضرت حجت بن الحسن علیه‌السلام است که تداوم حکومت انبیا و اولیای الهی است. مفهوم ولایت مطلقه امر و امامت امت در آیات و روایات متقنی که امام خمینی و بسیاری از فقیهان آگاه تبیین کرده‌اند، ریشه دارد و در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پایدار شده است (موسوی خمینی، ۱۳۹۲).

ب) تربیت اجتماعی

شان اجتماعی و سیاسی حیات طیبه در سند تحول بنیادین، ناظر به ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و... تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی)، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک

و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان‌فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم ملی) است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۹۶). اسلام نسبت به اصل اجتماعی شدن انسان و تشویق به گرایش به اجتماع توصیه و تأکید دارد. همانگونه که پیامبر اسلام (ص) فرموده: رأس عقل، بعد از ایمان، دوستی و معاشرت با مردم و خیررساندن به همه انسان‌ها، خوب و بد، است (مجلسی، ۱۳۶۳، ۳۹۲/۷۴)، و امیرالمؤمنین (ع) فرمود: با مردم ارتباط و معاشرت داشته باشید و به آنان احسان کنید و از دوری و قطع رابطه اجتناب کنید (مجلسی، ۱۳۶۳، ۴۰/۷۴).

اخلاق اجتماعی مانند نظم و انضباط اجتماعی، بردباری در تعامل اجتماعی، کاهش خشونت در اجتماع، حسن معاشرت با مردم، اخلاق در خانواده، گسترش روحیه تعاون و برادری در اجتماع، رعایت اخلاق در فضای مجازی، حسن ظن، محبت و دلسوزی نسبت به مردم، رعایت قانون و اخلاق شهروندی، همه و همه مصادیق اخلاق اجتماعی هستند که باید در مدارس، در طول ۱۲ سال تحصیل دانش‌آموزان به آنان آموزش داده شود.

نیکوکاری و تعاون و مشارکت در کارهای خیر از بایسته‌های اخلاق و تربیت اجتماعی است که سند تحول بنیادین به آن توجه کرده و با آوردن راهکار مناسب آن به ایجاد و تقویت روحیه و فرهنگ نیکوکاری در متریبان و مخاطبان آموزش و پرورش اهتمام کرده است: «ایجاد تسهیلات قانونی و ساز و کارهای تشویقی و انگیزشی لازم اعم از مادی و معنوی، برای بسط فرهنگ نیکوکاری و تعاون، مشارکت‌پذیری و مشارکت‌جویی در جامعه و در بین دانش‌آموزان، با الهام از آموزه‌های دینی با تأکید بر استفاده مناسب از ظرفیت کتاب‌های درسی، مجلات و رسانه‌های آموزشی و برگزاری اردوهای جهادی» (راهکار ۱ هدف عملیاتی ۹).

۵. تعلیم و تربیت علمی و فناورانه

اسلام به عنوان نظام معیار سند تحول آموزش و پرورش، به دانش‌اندوزی اهمیت زیادی داده است. به گونه‌ای تأکید بر بسط و گسترش دانش‌اندوزی یکی از اصول ثابت تعالیم اخلاقی و تربیتی قرآن کریم: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه»؛ «او کسی

است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد» (جمعه: ۲).

بی‌تردید خداوند متعال خود تعلیم و هدایت بشر را به عهده گرفت: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ؛ خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید، و به او بیان را آموخت (الرحمن: ۱-۴)، و با تربیت برخی انسان‌ها آنان را رسولان خود قرار داده و دیگر انسان‌ها را به دست انبیای خود تعلیم داده است. بنابراین، خداوند متعال در آیه فوق؛ «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» و آیات مشابه (بقره: ۲۹)، تعلیم بشر توسط پیامبران را یکی از اهداف بعثت ذکر کرده است.

پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة»: دانش‌جویی بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۶۷، ص ۶۸) امام علی (ع) در خصوص اهمیت علم و دانش در رشد و حفظ برتری مسلمانان و مصونیت ایشان از تسلط بیگانگان می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ»، یعنی دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد، با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد، بر او یورش برند (ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹).

مقام معظم رهبری نیز توجه به علم دوستی را یکی از اصول تربیت اسلامی می‌داند و در خصوص نقش دانش‌دوستی در گسترش اخلاق اسلامی می‌فرماید: «روحیه دانش دوستی، جزء تربیت‌های اسلامی است. یعنی اگر ما بخواهیم اخلاق اسلامی را گسترش بدهیم این هم در آن هست. پیشرفت مراتب علم هم جزء اساس کار شماست که بایستی به آن توجه بشود...» (رهبر معظم انقلاب، ۷/۱۰/۲۵).

بر این اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به ضرورت آموزش دانش‌های پایه به دانش‌آموزان تأکید می‌کند: «پرورش تربیت‌یافتگانی که... از دانش‌های پایه و عمومی سازگار با نظام معیار اسلامی، همچنین، از توان تفکر، درک و کشف پدیده‌ها و رویدادها به عنوان آیات الهی و تجلی فاعلیت خداوند در خلقت و نیز، دانش، بینش و مهارت‌ها و روحیه مواجهه علمی و خلاق با مسائل فردی و خانوادگی و اجتماعی برخوردارند» (هدف عملیاتی ۱).

اما این دانش‌ها نباید با اسلام مخالف باشند، بلکه باید اثربخشی و سازگاری آن‌ها با علوم اسلامی نیز مورد توجه قرار گیرد.

۶. تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

یکی از مهم‌ترین ساحت‌های تعلیم و تربیت، نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای است. چرا که هر یک از دانش‌آموزان و متربیان فارغ‌التحصیل دوران ۱۲ ساله آموزش و پرورش در یکی از فعالیت‌های اقتصادی فردی یا اجتماعی در سطح خرد یا کلان مشغول می‌شود. بنابراین، باید متربیان با آموزه‌های اخلاقی و تربیتی اقتصادی آشنا شوند اگرچه اخلاق اقتصادی خود زیرشاخه‌های متعدد کاربردی دارد که باید شاغلین در اصناف مرتبط اقتصادی به طور ویژه با بایسته‌های اقتصادی آن صنف آشنا شوند. چرا که اسلام، دین دنیا‌گریزی و بی‌اعتنایی به دنیا نیست دنیا کشتزاری برای آباد کردن آخرت است: رسول اکرم (ص) فرمودند: «الدنيا مزرعة الآخرة» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۳۶۱، ۱/۲۶۷).

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین اخلاقیات لازم برای اداره جامعه اسلامی تربیت اقتصادی است، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به تربیت اقتصادی کودکان و نوجوانان که نیروی انسانی فعال در جامعه اقتصادی آینده می‌باشند، توجه ویژه کرده است و تربیت ایشان با محتوا و آموزه‌های اخلاق اقتصادی اسلامی را در ساحتی جداگانه آورده است:

«تربیت پرورش‌یافتگانی که - با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام معیار اسلامی، از طریق کار و تلاش و روحیه انقلابی و جهادی، کارآفرینی، قناعت و انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر و با رعایت وجدان، عدالت و انصاف در روابط با دیگران در فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس خانوادگی، ملی و جهانی مشارکت می‌نمایند» (هدف عملیاتی ۱).

از آنجا که دانش‌آموزان، نسل آینده‌ساز هستند و شغل‌ها و مناصب مختلفی را در جامعه به دست می‌گیرند، آموزش و پرورش باید در ضمن مهارت‌آموزی شغلی، عموماً اخلاقی مشترک و اخلاق کاربردی را که برای پست‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی در جامعه لازم است، متناسب با فهم و سن آن‌ها طراحی و تدریس کند.

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، تلاش خستگی‌ناپذیر اقتصادی، ترویج فرهنگ تولید به جای فرهنگ مصرف و مدگرایی، دوری از تشریفات و تجمل منجر به اسراف و تبذیر، پرهیز از تنبلی و تن‌آسایی، و در نهایت تولید ثروت و کمک به مستضعفان و ارزش لقمه حلال، زشتی دزدی و اختلاس و رشوه‌خواری و تبعیض طبقاتی به دانش‌آموزان، نسلی نو تربیت می‌کند که با عملکرد پاک خود جامعه را از فساد اقتصادی دور می‌کنند.

بایسته‌های تحقق اهداف ساحت‌های تعلیم و تربیت

برای اثربخشی آنچه تا کنون به عنوان ساحت‌های تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش برشمردیم، رعایت اصول و بایسته‌هایی لازم به نظر می‌رسد:

۱. نخستین بایسته تربیتی آنست که همه مربیان توجه داشته باشند، که هدف اصلی نظام تعلیم و تربیت، انسان‌سازی و پرورش انسان است و انسان‌سازی در صدر وظایف آموزش و پرورش قرار دارد. اگر مربیان این هدف را همواره مد نظر داشته باشند، نوع نگاه و جهت آموزش آن‌ها به دانش‌آموزان متفاوت خواهد بود و از هیچ فرصتی برای بالندگی تربیتی بچه‌ها غفلت نخواهند کرد. امام خمینی (ره) شغل معلمان را شغل انبیا و اولیای الهی، یعنی انسان‌سازی بیان می‌کند: «شغل شما شغل انسان‌سازی است. معلم انسان درست می‌کند، همان شغل انبیا است. انبیا آمدند، از اول هر نبی‌ای آمده است تا آخر، فقط شغلش این بوده که انسان درست بکند، تربیت کند انسان‌ها را. شغل معلمی همان شغل انبیا است. پیغمبر اکرم معلم همه بشر است، و بعد از او حضرت امیر - سلام الله علیه - باز معلم همه بشر است. آن‌ها معلم همه بشر هستند، شما معلم یک عده از بشر». (موسوی خمینی، ۱۳۵۸/۳/۱).

وظیفه و رسالت اصلی وزارت آموزش و پرورش در کنار وظیفه آموزش و تعلیم دانش‌های عمومی و آماده‌سازی علمی دانش‌آموزان جهت تحصیلات در مقاطع عالی رشته‌های تخصصی، پرورش و تربیت انسان‌های شایسته و صالح است که اهمیت آن از تحصیل علم نیز بیشتر است. رهبر معظم انقلاب در پاسخ به سؤال: «چه منطقی پشت سر دستگاه عظیم (آموزش و پرورش)، قرار دارد؟» می‌فرماید: «منطق، انسان‌سازی است؛ یعنی ماده خامی که کودک مثلاً شش‌ساله و

هفت‌ساله است، وارد این کارخانه می‌شود و دوازده سال در این کارخانه زیر و رو می‌شود و یک محصولی، یک برون‌دادی باید از این کارخانه خارج بشود؛ آن برون‌داد چیست؟ انسان شایسته... ما در جمهوری اسلامی همین هدف را دنبال می‌کنیم؛ ما می‌خواهیم در این مجموعه دوازده‌ساله انسان تربیت بشود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۶/۱۱).^۱

۲. از دیگر بایسته‌های مهم در تحقق هدف و ساخت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آماده سازی و توانمندکردن دانشجومعلم و مربیان به عنوان استاد اخلاق و تربیت است. با توجه به عبارت سند تحول بنیادین و بر اساس آیه شریفه «و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه»، تعلیم و تربیت را وظیفه مربیان مدارس می‌دانیم، اما آیا معلم ما می‌تواند دانش‌آموزان را تزکیه کند؟ از آنجا که فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء شود، باید معلم و مربیان برای این بعد از وظیفه تربیتی خود توانمند شوند و محتوا و کلاس و دوره‌های تربیتی نزد اساتید و عالمان اخلاقی به گونه‌ای برای آن‌ها در دانشگاه فرهنگیان فراهم شود که در کنارآشنایی و توان تدریس مفاهیم اخلاقی و تربیتی، خود نیز به این مفاهیم عامل بوده و مهذب‌بودن آن‌ها موجب تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان شود. وگرنه ممکن است «فعل» معلم، «قول» او را تکذیب کرده و مشمول آیه شریفه: «لم تقولون ما لاتفعلون» قرار گیرد و در نتیجه، تعلیم اخلاقی او بی‌اثر بوده یا اثر عکس داشته باشد.

به این دلیل است که علی (علیه‌السلام) فرمود: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا، أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»: «هر که خود را پیشوای مردم خواهد، باید که پیش از ادب‌کردن دیگران به ادب‌کردن خود پردازد و باید که ادب‌کردن دیگران به کردار باشد، نه به گفتار. کسی که آموزگار و ادب‌کننده خویش است، سزاوارتر به تعظیم است، از آنکه آموزگار و ادب‌کننده مردم است».

در حدیثی که در کتاب کافی آمده از امام صادق (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصِّفَاءِ؛ هنگامی که عالم به علمش عمل نکند موعظه او

۱. بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش، ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

از دل‌ها فرو می‌ریزد همان گونه که قطره‌های باران از سنگ سخت فرو می‌ریزد» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۴، ح ۳).

معلمان واقعی مانند علی علیه‌السلام خود به این اخلاق معلمی عامل بودند، همانگونه که علی (ع) می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا أَسْفُكُمُ إِلَيْهَا وَلَا أَنهَأَكُمُ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَأَتَانَهِيَ قَبْلَكُمْ عَنْهَا: ای مردم به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی ترغیب نمی‌کنم مگر این که خودم پیش از شما به آن عمل می‌نمایم و شما را از هیچ معصیتی باز نمی‌دارم مگر این که خودم پیش از شما از آن دوری می‌جویم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵).

علامه طباطبایی نیز در این زمینه می‌فرماید: «یکی از شرایط تربیت صحیح این است که مربی اوصافی را که به شاگرد پیشنهاد و سفارش می‌کند باید به همان‌جوری که می‌خواهد شاگرد دارای آن اوصاف و متلبس به آن باشد، خودش ملبس باشد، آری عادات محال است، مردی ترسو شاگردی شجاع و دلیری بی‌باک تربیت کند و یا مکتبی که مکتب‌دارش لجوج و متعصب است دانشمندی آزاده در آرا و نظریات علمی بیرون دهد، خدای تعالی در این باره می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي» و نیز می‌فرماید: «اتامرون الناس بالبر و تسون انفسكم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶ / ۳۷۱).

۳. از دیگر بایسته‌هایی که در تحقق اهداف سند تحول بنیادین نقش کلیدی دارد این است که اخلاق از علوم عملی است و به صرف آموزش مفاهیم آن به دانش‌آموزان، لزوماً آن‌ها متخلق نمی‌شوند. شاهد این مدعا وجود انواع آسیب‌های اخلاقی و تربیتی مرتبط با ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت در میان متریبان و فارغ‌التحصیلان آموزش و پرورش است. بنابراین، باید مریبان اخلاق و تربیت مدارس، و خانواده‌ها علاوه بر آموزش مفاهیم نظری اخلاقی تمرین‌های عملی برای شکوفاکردن استعداد‌های اخلاقی بچه‌ها در محیط خانه، زندگی و مدرسه در نظر بگیرند. علامه طباطبایی در این خصوص می‌فرماید: «یکی از مطالبی که به طور قطع به ثبوت رسیده و تجربه قطعی نیز آن را تأیید نموده این است که علوم عملی - نه علوم نظری - یعنی علومی که به منظور عمل کردن و به کار بستن فرا گرفته می‌شود وقتی می‌تواند در مرحله عمل به‌طور کامل نتیجه دهد که فراگرفتنش

در ضمن تمرین و آزمایش باشد، زیرا کلیات علمی اگر بر جزئیات و مصادیقش تطبیق نشود تصدیق آن و ایمان به صحتش برای نفس سنگین و دشوار خواهد بود... مثلاً کسی که از معلم و یا کتاب درباره خوبی شجاعت چیرهایی آموخته و آن را تصدیق هم کرده و لیکن هیچوقت به آن عمل نکرده و شجاعتی از خود نشان نداده وقتی به یکی از مواقف خطرناکی که دل انسان را پر از وحشت و ترس می‌کند، برخورد نماید نمی‌تواند از معلوماتی که درباره خوبی شجاعت کسب کرده استفاده نماید.

پس بر هر متعلمی که می‌خواهد علوم عملی را فرا گیرد، لازم است فراگرفته‌های خود را به کار بسته و تمرین کند تا آنکه به عمل عادت کند و به این وسیله اعتقادات بر خلافی که در زوایای دلش هست به کلی از بین برود و تصدیق به آنچه که آموخته در دلش رسوخ کند، زیرا مادامی که عمل نکرده احتمال می‌دهد که شاید این عمل ممکن نباشد، ولی وقتی مکرر عمل کرد، رفته رفته این احتمالات از بین می‌رود... و عمل مزبور در نظرش از عادیات می‌شود، و دیگر هیچ اعتنایی به آن ندارد و لذا گفته‌اند: همان‌طوری که شر عادت می‌شود، خیر هم عادت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۷۰/۶).

۴. لزوم ایمان و باور معلم به آموزش‌های اخلاقی خود از مهم‌ترین بایسته‌های تعلیم و تربیت است: «کسانی که دلپایشان از ایمان به گفته‌هایشان تهی است - حتی منافقینی که در عوام فریبی مهارت کامل دارند و وقتی که پای عمل صالح به میان می‌آید در مرحله ادعا خود را صاحب ایمان صریح و خالص جا می‌زنند - زیر نظرشان جز اشخاصی مانند خودشان پلید تربیت نمی‌شوند، زیرا اگر چه ممکن است زبان مغایر با قلب باشد و چیزهایی که دل راضی به آن نیست بگوید و لیکن چون گفتار هم خود فعلی است از افعال بدنی و افعال همه از آثار نفس‌اند، از این جهت ممکن نیست فعل کسی با نفسانیاتش مخالف باشد. بنابراین، می‌توان گفت کلام، صرفنظر از دلالت لفظی وضعی‌اش، دلالت بر طبیعت گوینده، کفر و ایمان و سایر نفسانیات نیز دارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۷۱/۶).

علامه طباطبایی (ره) علت نتیجه‌بخش نبودن تعلیم و تربیت مسلمانان و شرقی‌ها را در سال‌های گذشته را، غفلت از لزوم ایمان و عمل معلمان به گفته‌های خود می‌داند: «و برای این حقیقت

مثال‌های زیادی دربارهٔ سلوک ما شرقی‌ها و مسلمان‌ها مخصوصاً در تعلیم و تربیت می‌باشد، و به همین جهت تعلیم و تربیت‌های ما چه رسمی و چه غیر رسمیش به هیچ وجه نافع و مؤثر واقع نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶/ ۳۷۱).

۵. نکتهٔ بسیار مهمی که در فرایند تعلیم و تربیت می‌بایست محل توجه سیاست‌گذاران و مربیان نظام تعلیم و تربیت باشد آنست که با توجه به حجم عظیم تهاجم فکری و فرهنگی دشمنان اسلام به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلامی و انقلابی که با هدف گمراه کردن جوانان ایران اسلامی و آلوده کردن آن‌ها به شبهات فکری و مفسد اخلاقی و دست برداشتن آن‌ها از آرمان‌های انقلاب اسلامی و مقابله با نظام سلطه، از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، مربیان آموزش و پرورش در طول دوران تحصیل و مراحل زندگی خود همواره در معرض انواع شبهات عقیدتی، اخلاقی و حتی آموزه‌های تربیتی سکولار و عرفان‌های کاذب هستند. بنابراین مربیان باید در کنار انجام فعالیت‌های تربیتی اثباتی، نسبت به طرح افکار مخالف و شبهات فکری و فرهنگی و پاسخگویی به آن‌ها جهت استحکام بخشیدن به اعتقادات دانش‌آموزان اقدام کنند. چنین ضرورتی به نیکوترین وجهی در وصیت امام علی علیه‌السلام به فرزند دلبندشان امام حسن مجتبی علیه‌السلام مشاهده می‌شود. حضرت در ابتدا از قصد خود برای آشناسازی فرزندشان، تنها با تعلیم و احکام حقّه اسلام سخن می‌گوید: «وَأَنْ أَبَدِّتَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ، لَا أَجَاوِزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ»: «مصمم شدم که نخست کتاب خدا را به تو بیاموزم و از تأویل آن آگاهت سازم و بیش از پیش به آیین اسلامت آشنا گردانم تا احکام حلال و حرام آن را فراگیری و از این امور به دیگر چیزها نپردازم».

سپس، از روی محبت و نگرانی می‌فرماید: «ثُمَّ أَشْفَقْتُ أَنْ يَلْتَبِسَ عَلَيْكَ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ مِنْ أَهْوَائِهِمْ وَ آرَائِهِمْ مِثْلَ الَّذِي التَّبَسَّ عَلَيْهِمْ، فَكَانَ إِحْكَامُ ذَلِكَ عَلَيَّ مَا كَرِهْتُ مِنْ تَنْبِيهِكَ لَهُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ إِسْلَامِكَ إِلَيَّ أَمْرٍ لَا أَمْنُ عَلَيْكَ فِيهِ] به الهلکه، وَ رَجَوْتُ أَنْ يُوقَفَكَ اللَّهُ فِيهِ لِرُشْدِكَ وَ أَنْ يَهْدِيكَ لِقَصْدِكَ، فَعَهَدْتُ إِلَيْكَ وَصِيَّتِي هَذِهِ»: «سپس، ترسیدم که مباد آنچه سبب اختلاف عقاید و آراء مردم شده و کار را بر آنان مشتبه کرده، تو را نیز به اشتباه اندازد. در آغاز نمی‌خواستم تو را به این راه کشانم، ولی با خود اندیشیدم که اگر در استحکام عقاید تو بکوشم به از این است که تو را تسلیم جریانی سازم که در آن از

هلاکت ایمنی نیست. بدان امید بستم که خداوند تو را به رستگاری توفیق دهد و تو را راه راست کند. پس به کار بستن این وصیتم را به تو سفارش می‌کنم» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، ص ۳۱۸).

۶. نظام تعلیم و تربیت اسلامی زمانی در رسالت تربیتی خود و موفق مؤثر واقع می‌شود که سایر عوامل سهیم در تربیت مانند دولت، رسانه و خانواده به نقش تربیتی خود عمل کنند. برای مثال وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات وظیفه دارد از طریق محدودکردن سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مروج فساد و گمراهی، جلوی بمباران فکری کودکان و نوجوانان را با فیلم، تصاویر و مطالب موجب تباهی بگیرد. یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید بر تولید فیلم‌های سینمایی، بازی‌های رایانه‌ای و انتشار کتاب‌ها به ویژه کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان نظارت دقیق داشته باشد تا مضامین آن‌ها بر خلاف آموزه‌های تربیتی تربیت رسمی عمومی نباشد.

در حالی که حرمت انتشار آثار فکری گمراه‌کننده یکی از مسلمات فقه جواهری است، اما در عمل شاهد فعالیت بی‌ضابطه شبکه‌های اجتماعی مخالف سبک زندگی اسلامی هستیم که نوجوانان ساعت‌ها در آن حضور دارند. همچنین، باید خانواده‌ها، پیش از ورود فرزندانشان به مدرسه با پرورش صحیح و مواظبت از جسم و روح بچه‌ها از تربیت مبتنی بر آموزه‌های غیر اسلامی پرهیز کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

سند تحول بنیادین از غنای تربیتی بسیار خوبی برخوردار است و به جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت در ساحت‌های شش‌گانه حیات طیبه، توجه ویژه کرده است. اما برای مؤثر واقع شدن تعلیم و زحمات تربیتی مربیان باید به نکات ظریفی چون آگاهی متولیان عرصه تعلیم و تربیت به مبانی و حیاتی، عقلانی و تجربی ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت، اهتمام به هدف انسان‌سازی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تزکیه معلمان و مربیان، باور درونی و عمل مربیان به تعالیمی که به متربیان آموزش می‌دهند، توجه به روش تمرین عملی برای درونی نمودن تعالیم اخلاقی در کودکان و نوجوانان، پاسخ به شبهات و افکار انحرافی در حوزه تعلیم و تربیت توجه کنند.

منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۳). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیہ. قم: مؤسسه سیدالشهداء (ع).
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۱). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه مصطفی درایتی، تهران: الجواد.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش.
- خسروانی مقدم، عبدالله، شیروانی شیری، علی، و اکبری، جابر (۱۴۰۲). فهم تربیت زیبایی شناختی و هنری از دیدگاه آموزگاران دوره ابتدایی. تعلیم و تربیت، ۳۹(۲)، ۱۱۸-۱۰۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
- شریف الرضی محمد بن حسین (۱۳۹۱). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، تهران: امیرالمومنین (ع).
- شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۷۱). بررسی روش های تأمین بهداشت روانی کودکان در خانه و مدرسه. پیوند، ش ۱۵۹، تهران: سازمان مدارس غیر دولتی، توسعه مشارکت های مردمی و خانواده.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فراهانی فرد، سعید، و محمدعلی فراهانی فرد، محمدعلی (۱۳۹۲). محیط زیست و نظام اخلاقی آن در اسلام. معرفت اقتصاد اسلامی، ۴، ۱۶۶-۱۵۲.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۹۰). مفاتیح الجنان. قم: انتشارات الهادی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۷۷). اصول کافی. قم: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- گروه نویسندگان، (۱۳۸۴). فلسفه تعلیم و تربیت. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام (۱۳۷۴). کنز العمال. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۳). بحارالانوار. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). ده گفتار. قم: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). آشنایی با علوم اسلامی. قم: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). تعلیم و تربیت در اسلام. قم: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۵). گفتار معصومین (ع). تدوین: سیدمحمد عبداللهزاده، قم: امام علی بن ابیطالب.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). ولایت فقیه: حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

